



نام اثر: مطالعات آمایش حوزه‌های علمیه
پیوست یک (مبانی و تعریف)

تدوین: دفتر برنامه ریزی و نظارت راهبردی،
مدیریت بودجه و برنامه‌ریزی راهبردی
آماده‌سازی و چاپ: اندیشکده دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی
مدیریت اجرایی: محمد وکیلی
ویرایش: حمیدرضا تیموری
طراحی و صفحه‌آرایی: محمود هدایی

صندوق پستی: ۳۴۳۳ - ۳۷۱۸۵
شماره تماس: ۰۲۵ - ۳۳۱۳۳۲۶۱
آدرس: قم - جمکران - بلوار انتظار - مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی - مدیریت اندیشکده

مطالعات آمایش

حوزه‌های علمیه

پیوست یک

مبانی و تعاریف



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی
بهمن ۱۴۰۰ / ویراست ۱



فهرست مطالب

فصل اول:

کلیات

- ۱-۱. مقدمه ۱۱
- ۲-۱. ضرورت ۱۲
- ۳-۱. اهداف و سیاست‌ها ۱۶
- تعریف آمایش واحدهای حوزوی: ۱۷
- ۴-۱. سابقه مطالعات ۲۰
- ۵-۱. روش انجام مطالعات ۲۹
- ۶-۱. دستاوردها و انتظارات ۳۱

فصل دوم:

مقدمات

- ۱-۲. چارچوب فکری ۳۷
- حوزه‌های علمیه: ۴۰
- مأموریت حوزه‌های علمیه: ۴۱
- تربیت نیروی انسانی و تولید علم: ۴۳



پیش‌گفتار

سرعت تحولات دنیای معاصر، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، چنان شتاب گرفته که نوسازی و به‌روزرسانی تمام نهادهای، از جمله نهادهای دینی و فرهنگی اجتناب‌ناپذیر است. از این رو با توجه به نقش و جایگاه بی‌بدیل حوزه‌های علمیه در نظام اسلامی و انتظاراتی که از این نهاد مقدس وجود دارد، مدیریت حوزه‌های علمیه فرایندهای تدوین، اصلاح، ارتقا و روزآمدسازی اسناد، مأموریت‌ها، سیاست‌ها، برنامه‌ها، نظام‌نامه‌ها و ساختارهای خود را به‌ویژه در دوره مدیریت حضرت آیت‌الله اعرافی، در اولویت قرار داده است تا بتواند ضمن تحقق این مطالبات و انتظارات، زمینه حضور بیش‌ازپیش حوزه‌های علمیه در میدان علم و عمل و ایفای نقش مثبت در حل مشکلات و معضلات ملی و فراملی را فراهم آورد. دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، در راستای تحقق این اولویت، ضمن ارج نهادن به تلاش‌ها و زحمات چندین ساله‌ای که برای تهیه این اسناد و طرح‌ها توسط معاونت‌ها، دفاتر و مراکز مختلف مدیریت حوزه‌های علمیه صورت گرفته است، نسبت به جمع‌بندی، نهایی‌سازی و چاپ آن‌ها اقدام کرده است. بی‌تردید ارائه نظرات و پیشنهادات سازنده اساتید و صاحب‌نظران حوزوی موجب ارتقای کمی و کیفی این اسناد و طرح‌ها خواهد شد.

لازم به توضیح است نسخه‌های چاپ شده در این مجموعه، برابر با آخرین نسخه‌های مصوب بوده و در صورت هر تغییری، در چاپ جدید اعمال و به علاقه‌مندان عرضه خواهد شد.

مدیریت حوزه‌های علمیه
دفتر برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی
مدیریت اندیشکده
فروردین ۱۴۰۱ شمسی

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ
وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

آل عمران، ١٠٤

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا
نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا
فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا
إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ.

توبه، ١٢٢



فصل اول

کلیات





مقدمه

حوزه علمیه نهادی است که بر مبنای تعالیم قرآن کریم و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام ایجاد شده و مسئولیت مهم تبیین و تفسیر، تعلیم و تربیت، تبلیغ، دعوت و دفاع از دین را در راستای اعتلای کلمه توحید به عهده دارد. در راستای تحقق این رسالت و به منظور پاسخ‌گویی به نیازهایی که از سوی جامعه، نظام اسلامی، جهان اسلام متوجه این نظام مقدس است، گام‌های متنوعی جهت به‌روزرسانی و ایجاد تحول در سیاست‌ها، رویکردها، ساختارها، نظام‌ها و کارکردهای خود برداشته و ضمن بازخوانی رسالت، مأموریت‌ها، اهداف و برنامه‌های حوزه، سند



چشم‌انداز حوزه را تدوین نموده و بر مبنای آن اقدام به بازطراحی نظام‌های کارکردی خود نموده است. هم‌زمان با این اقدامات راهبردی، اجرای طرح مطالعات آمایش واحدهای حوزوی را با هدف ایجاد، گسترش و ارتقای کمی و کیفی این واحدها در دستور کار قرار داده است.

بر این اساس این مطالعات، نقش حلقه بنیادی و تکمیلی اقدامات تحولی حوزه را دارد. امید است که با اجرایی شدن مجموعه این اقدامات، تحول در حوزه‌های علمیه با تکیه بر اصول و ارزش‌ها و متناسب با نیازهای دنیای امروز تحقق یابد.

ضرورت

برنامه‌ریزی در دنیای امروز در هر عرصه‌ای، به عوامل متعددی وابسته شده است. نخستین عامل آن توسعه روش‌های مختلف برنامه‌ریزی است، عامل دیگر وجود



متغیرهای متعدد در روش‌های برنامه‌ریزی جدید، است که هم‌زمان امکان ثبت و جمع‌آوری اطلاعات بیشتری از محیط نیز فراهم گردیده است. این پیشرفت در عرصه برنامه‌ریزی در دنیای معاصر می‌تواند در برنامه‌های تحولی حوزه‌های علمیه مدنظر قرار گرفته و به‌کارگیری شود.

واقعیت موجود این است که مدیریت حوزه‌های علمیه در یک دهه اخیر، با درخواست‌های متعددی برای توسعه واحدهای حوزوی در اقصی نقاط کشور مواجه شده است. برخی از این درخواست‌ها براساس فشارهای محیطی مناطق بوده است و علما و متدینان پیگیر راه‌اندازی مدارس علمیه در این مناطق بوده‌اند. در برخی دیگر از مناطق نیز الزامات خاص مناطق مانند محرومیت، وجود امکانات یا ضرورت‌های فرهنگی منجر به تأسیس مدارس علمیه شده است. اما معیار منطقی و مناسب برای اعطای مجوز تأسیس یا توسعه مدارس علمیه چیست و چگونه است؟



این موضوع هنگامی بیشتر اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم در سنوات اخیر شرایط اقتصادی کشور و به طور خاص اعتبارات حوزه‌های علمیه در مضيقه بسیاری قرار گرفته است و مدیریت منابع حوزه‌های علمیه و استفاده بهینه از آن‌ها و افزایش بهره‌وری از امکانات و ظرفیت‌های موجود در اولویت بسیار بالایی قرار گرفته است.

از منظر دیگر مدیریت حوزه‌های علمیه، به غیر از مدارس علمیه، ایجاد سایر انواع واحدهای حوزوی را در استان‌ها و شهرستان‌های کشور ضروری می‌دانند. واحدهایی مانند انواع واحدهای پژوهشی، مشاوره‌ای، فرهنگی تبلیغی که جسته و گریخته بر حسب سلايق و مقتضیات به صورت غیر برنامه‌ریزی شده در برخی از استان‌ها و شهرستان‌ها ایجاد شده‌اند. سؤال مهم این است که ملاک‌های مناسب برای ایجاد این دسته از واحدهای حوزوی در استان‌ها کدام است؟



با ایجاد رشته‌ها و توسعه آموزش‌های تخصصی در حوزه‌های علمیه، ایجاد رشته‌ها در سطح کشور بیش از هر زمان دیگری ضرورت یافت. اما با چه مبنایی این توسعه و تأسیس رشته‌ها در استان‌ها باید انجام شود؟ موضوعی که در این جا بسیار دارای اهمیت است، این است که بر خلاف ایجاد و توسعه مدارس علمیه که دوره عمومی علوم دینی محسوب می‌شود، در خصوص توسعه رشته‌ها، باید عواملی همچون وجود متقاضی، نیاز منطقه و امکان تأمین استاد و مؤلفه‌های دیگری مد نظر قرار گیرد.

با توجه به رویکرد جدید مدیریت حوزه‌های علمیه و تأکید بر کارویژه‌های روحانیت در عرصه‌های مختلف، آنچه مقتضای این رویکرد می‌باشد این است که بتوان به برآوردی از نیاز استان‌ها و شهرستان‌ها به کارویژه‌هایی که فهرست شده است، دست یافت. به عبارتی سؤال اصلی در این موضوع این است که چه تعداد دانش‌آموخته در چه کارویژه‌هایی در



مناطق کشور نیاز است؟ بی‌شک لازمه این رویکرد، وجود نظام آموزشی و تربیتی مبتنی بر آن است.

موضوعات و سؤالات فوق و شاید سؤالات و موضوعات متعدد دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که پیش روی مدیریت حوزه‌های علمیه است. از این رو انجام مطالعه‌ای که به طور یکپارچه و کلان برای این سؤالات، پاسخی منطقی ارائه کند، اجتناب‌ناپذیر است. این مطالعه باید بتواند با حفظ خصوصیات ذکرشده با تکیه بر چشم‌انداز ترسیم‌شده برای حوزه‌های علمیه و نیز نگاهی به وضعیت کنونی استقرار واحدهای حوزوی در سراسر کشور و آینده‌نگری، در مورد نحوه استقرار واحدهای حوزوی در سطح کشور، ملاک‌ها و معیارهایی ارائه کند.

اهداف و سیاست‌ها

به این ترتیب و با توجه به ضرورت‌های



بیان‌شده، موارد زیر می‌تواند به عنوان اهداف مطالعات آمایش واحدهای حوزوی مد نظر قرار گیرد:

۱. دستیابی به راهبردهای مورد نیاز در تأسیس و توسعه واحدهای حوزوی؛
 ۲. دستیابی به ساختار مطلوب واحدهای حوزوی در کشور؛
 ۳. برآورد نیاز استان‌های کشور به طلبه و ظرفیت مطلوب تربیت طلبه در هر استان؛
- مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، با انجام مطالعات اولیه، کلیات طرحی را برای انجام مطالعات آمایش واحدهای حوزوی، تهیه و به شورای عالی حوزه‌های علمیه ارائه داده است که این طرح در این شورا پس از بحث و بررسی تصویب شد. در کلیات طرح آمایش واحدهای حوزوی تعریفی از این مطالعات به شرح زیر ارائه شده است:

تعریف آمایش واحدهای حوزوی:

آمایش واحدهای حوزوی، سند توسعه کیفی و



کمی متناسب و تخصیص بهتر منابع با توجه به ویژگی‌های محیطی و مزیت‌های نسبی (تراکم جمعیتی، توانمندی‌ها و شرایط محلی و منطقه‌ای) از طریق تأسیس و گسترش و ارتقای واحدهای حوزوی می‌باشد.

در کلیات طرح آمایش، مواردی به عنوان سیاست‌های حاکم بر این مطالعات، تدوین شده است که به شرح زیر است:

سیاست‌ها:

۱. تأکید بر رعایت تمامی اسناد بالادستی؛
۲. توجه به جایگاه محوری حوزه علمیه قم؛
۳. تأکید بر تفکیک نقش ستاد مرکزی، ستادهای واسط و صف؛
۴. تأکید بر حمایت و نقش محوری علما، فرهیختگان و معتمدان بلاد در تأسیس و توسعه واحدهای حوزوی؛
۵. تأکید بر رشد و تقویت علمی حوزه‌های علمیه مراکز استانی؛
۶. تقدم توسعه کیفی بر توسعه کمی؛



۷. توجه ویژه به مناطق محروم و مناطقی که در معرض آسیب‌های عقیدتی قرار دارند؛

۸. تأکید بر خودکفایی مالی از طریق ایجاد و گسترش منابع پایدار مردمی و هدایت حمایت‌های مالی در جهت تأمین زیرساخت‌ها و سخت‌افزارهای واحدهای حوزوی؛

۹. تأکید بر تأمین کادر علمی و مدیریتی و تقدم آن بر سایر شرایط تأسیس و توسعه واحدهای آموزشی؛

۱۰. اولویت دادن به توسعه واحدهای حوزوی موجود؛

۱۱. توجه به نیازهای جامعه و دستگاه‌های نظام (فرهنگی و ...) در برآورد نیاز به روحانی؛

۱۲. توجه به جایگاه نخبگان و استعداد های برتر و ممتازان در ایجاد، توسعه و ارتقای واحدهای حوزوی؛

۱۳. تقدم تأسیس مدارس بلندمدت بر تأسیس مدارس سفیران هدایت در مناطق «توسعه‌یافته» و تقدم تأسیس مدارس سفیران هدایت بر مدارس



بلندمدت در مناطق «غیر توسعه‌یافته»؛

۱۴. ایجاد توازن و تناسب میان ظرفیت و تعداد واحدهای حوزوی با نیازهای محلی، منطقه‌ای و ملی؛

۱۵. پرهیز از ایجاد مدارس متعدد با ظرفیت بسیار پایین؛

۱۶. پرهیز از ایجاد مدارس با ظرفیت بسیار بالا؛

۱۷. تأکید بر رویکرد هم‌افزا در ایجاد، گسترش و توسعه واحدهای حوزوی (بسته جمع‌وجور از واحدهای حوزوی در هر منطقه)؛

۱۸. اهتمام به توسعه زیرساخت‌های پژوهشی (مانند ایجاد کتابخانه‌ها، فضاهای پژوهشی مناسب و...)

۱۹. اهتمام به تربیت و توسعه منابع انسانی توانمند در عرصه علمی (آموزشی، پژوهشی و...)، مدیریتی و اخلاقی.

سابقه مطالعات



مدیریت حوزه‌های علمیه در سنوات اخیر چندین مطالعه در زمینه برنامه‌ریزی بلندمدت برای دستیابی به اهداف خود به انجام رسانده است. علاوه بر این، مطالعات مشابهی در نهادهای مشابه مانند حوزه علمیه خواهران، جامعة المصطفی العالمیه، وزارت علوم تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، انجام شده است که برخی اسناد راهبردی بوده و برخی تحت همین عنوان آمایش صورت گرفته است. در ادامه به هر یک از این اسناد اشاره شده و خلاصه‌ای از آن مطالعات به منظور آشنایی با آن‌ها و نیز بهره‌گیری از تجربیات آن مطالعات، ارائه می‌شود.

۱. سند برنامه راهبردی حوزه‌های علمیه:

این سند در سال ۱۳۸۷ با سفارش واحد طرح و برنامه وقت مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه و توسط مهندس امین منصور، به منظور تهیه سند راهبردی حوزه‌های علمیه تا سال ۱۴۰۴



تهیه شده است. این سند کارکردهای حوزه علمیه را به پنج دسته: آموزش، پژوهش، تبلیغ، تهذیب و مدیریت دسته‌بندی می‌نماید. همچنین در خصوص نظام آموزشی تربیتی حوزه‌های علمیه مبتنی بر تربیت کیفی طلبه و نیز پاسخ‌گویی به نیازهای مدیریت اسلامی در جامعه برنامه‌ها و راهبردهایی پیشنهاد می‌دهد. در ادامه این سند برآوردهایی از طلبه مورد نیاز در افق طرح، برای برخی از کارکردهای فهرست شده، ارائه می‌نماید. این سند، طلبه مورد نیاز برای افق ۱۴۰۴ را حدود ۳۱۰ هزار نفر برآورد می‌نماید.

۲. پیش‌نویس طرح آمایش:

این مطالعه در سال ۱۳۸۹ با سفارش مدیریت برنامه‌ریزی و ارزیابی معاونت امور حوزه‌های علمیه مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، توسط حجت‌الاسلام والمسلمین روزبهانی تهیه شده است. در این مطالعه با توجه به کارکردهای پنج‌گانه حوزه‌های علمیه، پانزده دسته



فعالیت را احصا کرده و براساس آن بر مبنای معیار جمعیتی، یعنی یک طلبه به ازای پانصد نفر، در افق ۱۴۰۷ طی سه برنامه، تعداد ۳۳۴۶۱۹ نفر طلبه را برآورد نموده است. در این طرح ساختار نظام آموزشی تربیتی به صورت نیمه‌متمرکز با محوریت چندقطبی به صورت یک ساختار شش طبقه‌ای پیشنهاد شده است. همچنین در خصوص کارکرد مدارس علمیه وظایفی علاوه بر تربیت طلبه در نظر گرفته است.

۳. طرح آمایش مدرسه سرزمینی حوزه‌های علمیه:

این طرح در سال ۱۳۹۰ توسط دفتر برنامه‌ریزی و نظارت مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه انجام شده است. این طرح به برآورد طلبه برای استان‌های کشور به غیر از قم، خراسان و اصفهان مبتنی بر اطلاعات جمعیتی پرداخته است. در این طرح طلاب به دو دسته مبتدی (پایه یک تا پنج) و فعال (پایه شش تا خارج) تقسیم شده است. همچنین به



برآورد تعداد طلبه مورد نیاز هر استان و نیز کادر اداری، استاد و فضای مورد نیاز مدارس در برنامه‌های پنج‌ساله پرداخته است. افق طرح سال ۱۴۰۵ بوده و طلبه مورد نیاز را ۱۳۶۱۵۰ نفر برآورد کرده است.

۴. نیازسنجی حضور حوزه و روحانیت:

این طرح در سال ۱۳۹۲ توسط دبیرخانه شورای عالی حوزه‌های علمیه انجام شده است. در این طرح برای روحانیان مأموریت‌های دوازده‌گانه براساس مناصب تعریف‌شده در قوانین و مقررات داخلی کشور ایران، احصا شده است. شناسایی پنج طراز علمی برای روحانیت، شناسایی ۱۴۸ موقعیت برای حضور روحانیان در جامعه ایرانی و برآورد طلبه برای این موقعیت‌ها در سال ۱۳۹۰ از اهم فعالیت‌های این طرح است. در این طرح طلبه مورد نیاز ۲۸۶۷۶۴ نفر برآورد شده است.



۵. جانمایی و آمایش مجتمع‌های اقامتی فرهنگی (اردوگاه) حوزه‌های علمیه در کشور:

این مطالعه در سال ۱۳۹۰ توسط اداره کل تسهیلات معاونت امور طلاب و دانش‌آموختگان مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه انجام شده است. هدف این مطالعه بررسی و امکان‌سنجی ایجاد اردوگاه‌های حوزه‌های علمیه در سراسر کشور است که براساس ملاک‌ها و معیارهایی، برای تأسیس و ایجاد مجتمع‌های اقامتی فرهنگی مربوط به حوزه‌های علمیه در سراسر کشور در چهار سطح ملی، منطقه‌ای، استانی و شهری اولویت‌هایی پیشنهاد می‌دهد.

۶. طرح جامع آمایش سرزمینی حوزه‌های علمیه سفیران هدایت:

این طرح در سال ۱۳۸۹ توسط مرکز آموزش‌های تخصصی تبلیغ مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه انجام شده است. این مطالعه با ملاک قراردادن متغیر اصلی جمعیت در استان‌ها و



شهرستان‌ها در مورد تأسیس مدارس سفیران در استان‌ها و شهرستان‌های کشور پیشنهادهایی را ارائه داده است.

۷. آمایش سرزمینی و توسعه متوازن حوزه‌های علمیه خواهران:

این طرح در سال ۱۳۸۹ توسط دفتر برنامه‌ریزی و نظارت مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران انجام شده است. افق این طرح ۱۴۰۴ است. این طرح با بررسی وضعیت جمعیتی استان‌های کشور و نیز شاخص‌هایی مانند گرایش و دسترسی، به تیپ‌بندی واحدهای آموزشی می‌پردازد و برای آن‌ها شرایط محیطی و محاطی پیشنهاد می‌دهد. این مطالعه سرانه یک طلبه خواهر به ازای ۲۵۰ زن را ملاک قرار می‌دهد. بر این اساس طلبه خواهر مورد نیاز در افق طرح را ۱۸۰ هزار نفر برآورد می‌کند.

۸. سند جامع دانش‌آموختگان، جامعه المصطفی



العالمیه:

این سند در سال ۱۳۹۵ توسط اداره کل امور مبلغان و دانش‌آموختگان معاونت ارتباطات و بین‌الملل جامعه المصطفی العالمیه انجام شده است. این سند، مطالعاتی در مورد عرصه‌های فعالیت دانش‌آموختگان جامعه المصطفی میان مسلمانان و شیعیان کشورهای جهان و ارائه معیارهایی برای برآورد طلبه مورد نیاز انجام داده است.

۹. طرح آمایش آموزش عالی:

این طرح در سال ۱۳۹۴ توسط وزارت علوم تحقیقات و فناوری اطلاعات انجام شده است. در این طرح براساس مطالعات شناخت وضع موجود آموزش عالی و مطالعات آینده‌نگری متغیرهای کلان تأثیرگذار بر آموزش عالی در خصوص برنامه کلان این عرصه هدف‌گذاری‌ها و برنامه‌هایی پیشنهاد داده است. نکته مهمی که در این مطالعات، در خصوص برآورد نیاز استان‌های کشور



به رشته‌های مختلف دانشگاهی و تربیت دانشجو، به چشم می‌خورد استفاده از شاخصی به عنوان شاخص ضریب تمرکز مکانی فعالیت‌های اقتصادی استان‌های کشور و ارائه پیشنهاد توسعه رشته‌های آموزش عالی براساس آن در استان‌های مختلف است. در این مطالعات الگوی نیمه‌متمرکز توسعه واحدهای آموزش عالی و رشته‌های تخصصی در قالب ده قطب علمی یا منطقه پیشنهاد شده است. موضوع مهم دیگر این که سیاست‌ها و ضوابط اجرایی حاکم بر آمایش آموزش عالی در جلسه ۷۷۶ مورخ ۹۸/۱۲/۱۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی کشور به تصویب رسیده است.

۱۰. راهبرد گسترش جغرافیایی آموزش عالی سلامت در

جمهوری اسلامی ایران:

این سند در سال ۱۳۹۱ توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به انجام رسیده است. در این سند با استفاده از ساختار «شبکه‌های



بهداشتی درمانی»، توسعه آموزش پزشکی را در سطح شهرستان‌ها سازمان‌دهی نموده است. این مطالعات نیز همانند طرح آمایش آموزش عالی، توسعه آموزش پزشکی در سطح کشور را به صورت نیمه‌متمرکز در قالب ده قطب نظام سلامت یا کلان منطقه پیشنهاد داده است. سیاست‌ها و ضوابط اجرایی حاکم بر آمایش نظام آموزش عالی سلامت در جلسه ۷۶۲ مورخ ۹۴/۲/۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی کشور به تصویب رسیده است.

در مجموع از اسناد فوق نکات مهمی استفاده شده است که در طول انجام این مطالعه به فراخور موضوع مورد استفاده یا استناد قرار می‌گیرد.

روش انجام مطالعات

این مطالعه از جمله مطالعات راهبردی بوده و ماهیت آن اسنادی و کتابخانه‌ای بوده که با بهره‌گیری از نظرات خبرگان و کارشناسان در



طول انجام این مطالعه، به تکمیل آن اقدام شده است.

چنانکه در نمودار الگوی مطالعات آمایش واحدهای حوزوی مشاهده می‌شود، این مطالعات در سه بخش مشخص و جداگانه انجام می‌شود.

- مطالعات وضع موجود (عوامل درونی و بیرونی)؛

- مطالعات اسناد بالادستی و پشتیبان؛

- مطالعات گذشته و سایر نهادها و آینده‌نگری.

البته لازم به توضیح است که این مراحل هم‌زمان و به طور موازی انجام شده و تقدم و تأخری نسبت به هم ندارند. در هر بخش پس از انجام فعالیت‌های معین و نظام‌مند، خروجی‌هایی استخراج شده که این خروجی‌ها عبارت‌اند از:

- تحلیل و جمع‌بندی وضع موجود و توازن‌ها و عدم توازن‌ها؛

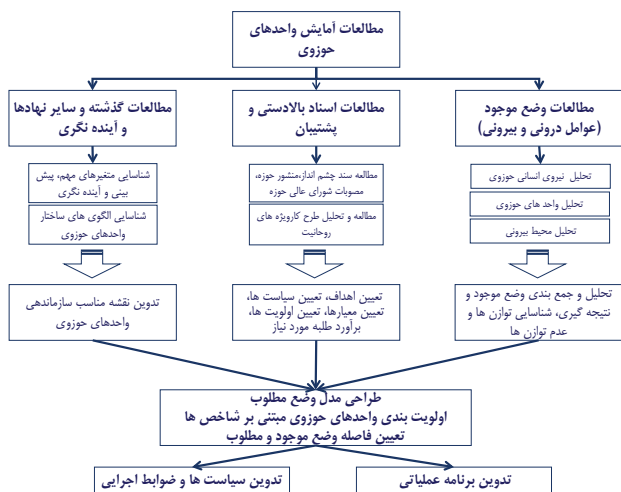
- تعیین اهداف، تعیین سیاست‌ها، تعیین معیارها، تعیین اولویت‌ها، برآورد طلبه مورد



نیاز؛

- تدوین الگوی مناسب سازمان‌دهی واحدهای
حوزوی.

و این خروجی‌ها در مرحله‌ای با عنوان
«طراحی وضع مطلوب» به کار گرفته شده و
مبتنی بر این طراحی صورت گرفته و برنامه
عملیاتی برای تحقق وضع مطلوب و نیز
سیاست‌ها و ضوابط حاکم بر آن تبیین شده
است.



نمودار الگوی مطالعات آمایش واحدهای حوزوی

دستاوردها و انتظارات

این مطالعات با استناد به «اسناد بالادستی» و بررسی «مطالعات گذشته» و «اسناد نهادهای مشابه» و نیز استفاده از نظرات کارشناسی و ملاحظات مدیریتی، باید بتواند در نهایت پاسخ‌گوی سؤالات زیر بوده و مبتنی بر آن، دستاوردها و نتایج فهرست‌شده



زیر را برآورده سازد:

سؤالات:

۱. سازمان‌دهی مناسب واحدهای حوزوی در سطح کشور چگونه باشد؟
 ۲. واحدهای حوزوی با چه الگویی در سطح کشور باید استقرار یابند؟
 ۳. چه رشته‌ها و مقاطع تحصیلی برای تأمین نیاز کشور و رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز و کلیات طرح آمایش سرزمینی باید ایجاد شده یا توسعه یابند؟
 ۴. چه تعداد طلبه و در چه رشته و مقطعی در حوزه‌های علمیه باید تربیت شده تا نیاز حوزه‌های علمیه، جامعه و نظام اسلامی تأمین شود؟
- این‌ها سؤالاتی است که هر کدام نیاز به بررسی و مطالعات فراوان فنی و کارشناسی دارد. این بخش‌ها مشتمل بر ورودی‌ها (طلاب)، فرایندها، واحدهای حوزوی، ارزیابی‌های کیفی، خروجی‌ها (دانش‌آموختگان)، فعالیت‌های تبلیغی و تهذیبی، تعاملات ملی



و بین‌المللی است. مبتنی بر این فعالیت نظام‌مند، خروجی‌ها و نتایج ملموس زیر، به عنوان دستاوردها و انتظارات از مطالعات آمایش ارائه شده است.

- مدل مناسب سازمان‌دهی واحدهای حوزوی؛
- برنامه استقرار واحدهای حوزوی در سطح کشور تا افق ۱۴۱۴؛
- برنامه ایجاد یا توسعه رشته‌ها و مقاطع تحصیلی متناسب با کارویژه‌های روحانیت؛
- برنامه کلان‌پذیرش و ظرفیت مطلوب واحدهای حوزوی.

مطالعات آمایش واحدهای حوزوی شامل چهار بخش و ده فصل است.

بخش اول: کلیات و مقدمات

بخش دوم: تبیین وضع موجود

بخش سوم: طراحی وضع مطلوب

بخش چهارم: برنامه‌ها و سیاست‌ها



فصل دوم

مقدمات





چارچوب فکری

مطالعات آمایش واحدهای حوزوی براساس اصول و مبانی فکری انجام می‌شود که جهت شفاف شدن بستر انجام این مطالعه رئوس این اصول و مبانی ارائه می‌شود.

آمایش، چینش ارادی و با برنامه و هماهنگ عناصر فضا ساز محیط جغرافیایی، یعنی منابع انسانی است. لذا می‌تواند به عنوان اصلی‌ترین ابزاری که بر پایه آن، جنبه‌های مختلف منطقه به اشکال بسیار محسوس و ملموس مورد مطالعه قرار می‌گیرد، جایگاه ویژه‌ای را در میان انواع برنامه‌ریزی‌ها به خود اختصاص دهد. چنین مطالعه‌ای به دلیل جامعیت و توجه به تمامی اجزای گوناگون مستقر در فضا، علاوه بر تأکید



بر کالبدی‌بودن به راهبردی‌بودن برنامه نیز (برای رسیدن به آینده معطوف) توجه مهمی دارد. بدین ترتیب برنامه‌ریزی‌های آمایشی، تلفیقی است از دو موضوع اساسی:

۱. توجه و شناخت دقیق از وضعیت موجود؛
۲. ارائه تصویری روشن و پایدار از وضعیت مطلوب در آینده.

معیارهای متعددی در آرایش آمایشی حوزه‌های علمیه، مانند قرابت تاریخی، جغرافیایی، اقلیمی، قومی و نژادی، به منظور توزیع عادلانه منابع، ایجاد فرصت‌های برابر، امکان نظارت دقیق‌تر، جلوگیری از فعالیت‌های تکراری، استفاده از مزیت‌های منطقه‌ای، تمرکززدایی و جلوگیری از تجمع امکانات، انتقال قدرت تصمیم‌گیری، مشارکت حوزه علمیه در موضوعات ملی و فرااستانی می‌تواند مد نظر قرار گیرد. در همین راستا ضرورت تهیه الگوی گسترش حوزه‌های علمیه با رویکرد آمایشی احساس شد و در دستور کار مدیریت حوزه‌های علمیه



قرار گرفت.

این مطالعه سندی است که در آن الگویی برای توسعه حوزه‌های علمیه در سراسر کشور و براساس نیازها و امکانات هر منطقه جغرافیایی ارائه شده است. از مشخصه‌های حائز اهمیت در تدوین این سند، توجه عمیق و علمی به امکانات و ویژگی‌های هر منطقه جغرافیایی می‌باشد.

از اهداف این سند می‌توان به تربیت نیروی انسانی متخصص متناسب با نیازهای نهاد روحانیت و جامعه، توسعه هدف‌مند حوزه‌های علمیه در عرصه سرزمین، افزایش بومی‌گزینی در پذیرش طلبه، افزایش به‌کارگیری نیروهای تربیت‌شده در مناطق بومی، افزایش اختیارات حوزه‌های علمیه، توانمندی حوزه‌های علمیه در پاسخ‌گویی به نیازهای دینی، اعتقادی و تربیتی مناطق، افزایش ماندگاری نیروی انسانی تربیت‌شده در منطقه، ارتقای همکاری‌ها و هماهنگی‌ها بین حوزه‌های علمیه مستقر در کلان منطقه در فعالیت‌های فرااستانی با هدف



هم‌افزایی توان عملیاتی آن‌ها، ایجاد سازوکار حمایتی برای توسعه حوزه‌های علمیه در مناطق کمتر برخوردار، برقراری عدالت در توزیع منابع و امکانات، توسعه ظرفیت‌های آموزشی، واگذاری حداکثری امور ستادی به صفی با حفظ نظارت بر کیفیت، ایجاد هماهنگی در بخش‌های مختلف ستاد مرکزی در برنامه‌ریزی عملیاتی برای کلان منطقه‌ها اشاره نمود.

حوزه‌های علمیه:

منظور از حوزه‌های علمیه در معنای خاص آن، مدارس علمیه کوتاه‌مدت و بلندمدت، مراکز آموزشی، پژوهشی وابسته به حوزه علمیه و در معنای عام آن، سازمان و نظام حوزه‌های علمیه و کلیه واحدهای مدیریتی، عملیاتی و پشتیبانی آن است. گستره حوزه‌های علمیه، محدود به مدارس علمیه داخل کشور ایران و تحت پوشش مراکز مدیریت قم، خراسان و اصفهان است. البته از آن جایی که بخشی از کادر علمی و اجرایی مدارس علمیه دینی یا سایر مراکز خارج از کشور



توسط دانش‌آموختگان حوزوی تأمین می‌شود، از این‌رو در بخش‌هایی از مطالعات، این مراکز و مدارس دینی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. اما در خروجی مطالعات، نتایج، صرفاً محدود به مدارس علمیه داخل کشور و تحت پوشش خواهد بود.

این مطالعه شامل مجموعه‌های پیرا حوزوی، نمی‌شود.

مأموریت حوزه‌های علمیه:

تربیت نیروی انسانی: تربیت نیروی انسانی زمان‌آگاه، مهذب و متخصص (کارشناس) دینی، مورد نیاز شئون مختلف امت اسلامی.

تولید علم: تحقیق، پژوهش و استنباط از معارف قرآن کریم و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) بر پایه عقل برای پاسخ‌گویی به نیازهای امت اسلامی.

هدایت فرد و خانواده: تعلیم معارف قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) به طبقات مختلف جامعه و تقویت ایمان دینی مردم، ترویج و تحکیم سبک زندگی اسلامی و کوشش برای تحقق حیات طیبه در



جوامع مسلمان، تقویت معنویت و اخلاق در جامعه، تربیت نفوس آحاد امت و آماده‌سازی آنان برای ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه و استقرار دولت جهانی اسلام.

هدایت اجتماع (نظام): تأسیس حکومت صالح عادل و اداره شئون جمعی مسلمانان (امنیت، قضاوت، عمران و آبادانی)، به نیابت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه مطابق فقه مرفقی اسلام، تلاش برای ساخت تمدن دینی و تحقق پیشرفت اسلامی در جوامع مسلمان.



الگوی مأموریت‌های چهارگانه حوزه‌های علمیه



نقش مدارس علمیه: با توجه به مقدمات بالا

هر مدرسه علمیه در هر محدوده جغرافیایی، سه نقش و وظیفه مهم را برعهده دارد.

تربیت نیروی انسانی و تولید علم:

- تربیت طلبه‌های جدید؛
- پشتیبانی علمی و مهارت‌افزایی طلبه‌های مستقر در منطقه.

نقش هدایت فرد و خانواده:

- انجام تمامی امور دینی، فردی و خانوادگی مورد نیاز مردم منطقه از تولد تا مرگ شامل:
- آموزش‌های دینی؛
- تبلیغ و اقامه شعائر دینی؛
- مشاوره‌های دینی؛
- تربیت اخلاقی و تقویت معنوی آحاد مردم؛
- تأمین روحانی مورد نیاز مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها، امامزاده‌ها و سایر مکان‌هایی که به طلبه و کارشناس دینی نیاز دارند.



نقش هدایت اجتماع:

مدارس علمیه در این نقش، در همه سازمان‌ها و ارگان‌های حکومتی و غیر حکومتی یک منطقه در چارچوب قوانین و مقررات نظام اسلامی در محدوده جغرافیایی خود سه وظیفه بر عهده دارند:

-تعامل و همکاری؛

-هدایت و ارشاد؛

نظارت بر عملکرد.

این سازمان‌ها می‌توانند در سطح ملی، استانی و شهرستانی یا هر نوع تقسیمات سیاسی و جغرافیایی دیگر باشد. این سازمان‌ها شامل سازمان‌های تابعه ارکان حکومتی (نیروهای نظامی، قوه قضائیه، قوه مجریه، قوه مقننه، سایر نهادهای انقلابی)، شرکت‌های خصوصی، انجمن‌های صنفی، بازار، مجموعه‌های سایر مذاهب، نمایندگی‌های کشورهای خارجی، نهادهای بین‌المللی و... باشد.



البته ذکر سه نکته در این جا لازم است:

۱. بین تلقی فوق از نقش مدارس در وضع موجود تا وضع مطلوب فاصله زیاد است و در مطالعات آمایش واحدهای حوزوی، این نقش حداکثری برای مدارس علمیه در افق طرح در نظر بوده است.

۲. با توجه به وضعیت متفاوت جغرافیایی و ظرفیت‌های مختلف مدارس علمیه، در برخی از شهرستان‌ها امکان پی‌ریزی چنین جایگاهی برای مدارس علمیه فراهم نیست و لذا تحقق این وظایف به صورت جمعی بر عهده چند مدرسه علمیه هم‌جوار در یک شهرستان یا در چند شهرستان نهاده می‌شود.

۳. نقش‌های سه‌گانه فوق برای مدارس علمیه در سطح شهرستان‌ها، حتماً به‌تنهایی محقق نخواهد شد، بلکه به‌نوعی باید با مشارکت سازمان‌های حکومتی یا غیرحکومتی مستقر در منطقه جغرافیایی، انجام شود. اما آنچه مهم است این نقش‌ها باید همواره به صورت یک دغدغه در متولیان مدارس علمیه،



وجود داشته و در جهت نایل شدن به آن‌ها، به
هر صورت، اعم از مشارکت با دستگاه‌ها یا
سایر شیوه‌ها، اهتمام داشته باشند.